یادداشت روز

اتوبان «آکبند» فروشی نداریم!

۱- جنگی را که آمریکا و اسرائیل و انگلیس ۱۶ سال پیش در منطقه استارت زدند، با شدت بیشتر و در ابعادی جدید ادامه دارد. آنها صراحتاً از «جنگ تمدن‌ها» و ضرورت تجزیه برخی کشورهای قدرتمند و تغییر نقشه غرب آسیا (خاورمیانه جدید) سخن گفتند. ناکامی در جنگ‌های افغانستان و عراق و لبنان و غزه، آنها را به جنگ نیابتی در ابعادی گسترده‌تر کشاند. شبکه موازی این جنگ نیابتی در داخل ایران، سازمان فتنه‌ای بود که در سال‌های ۷۸ و ۸۸ از پرده پنهانکاری درآمد و رد پا و سند خیانت را بر جای گذاشت. بقایای این شبکه همچنان فعالند، چون اتاق فرماندهی و عملیات جنگ تمدن‌ها و جنگ نیابتی در واشنگتن و تل‌آویو و لندن فعال است. تقویت امواج عملیات روانی دشمن، اخلال و اختلال در اعمال امور حاکمیتی، بزرگ‌نمایی حریف و تحقیر جبهه خودی با القای «ما نمی‌توانیم»، نفوذ در دولت و کمک به ریل‌گذاری‌های انحرافی مطلوب دشمن که دست کشور و نظام را در برابر نظام سلطه ببندد، و ایجاد دو قطبی‌های منحرف کننده اذهان از «جنگ بزرگ تمدن‌ها»، از جمله کار ویژه‌های این طیف است. بنابراین هم به اعتبار تداوم جنگ تمدن‌ها و هم از آن جهت که پیاده نظام و بازوهای جنگ نیابتی دشمن فعالند، جبهه نیروهای انقلابی نیز باید در پویایی و تحرک مضاعف باشد؛ بماند که حتی اگر این تهدیدها نبود؛ تکلیف بزرگ «تمدن‌سازی» و ایجاد الگوی نمونه پیشرفت تمدنی در تراز انقلاب اسلامی، بر دوش جریان حزب‌اللهی سنگینی می‌کرد. رحمت و رضوان الهی نثار امام خمینی باد که فرمود «تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم».

۲- منطقه راهبردی حلب در سوریه، خط مقدم نبرد تمدن‌هاست. محاصره و شکست جبهه تروریست‌ها در حلب برای آمریکا و صهیونیست‌ها آن قدر حیثیتی و حیاتی بود که وقتی اردوغان تجدید نظر درباره سیاست ترکیه را زمزمه می‌کرد، با کودتا گوشمالی داده شد. مقامات رژیم صهیونیستی ابا نداشته‌اند که بگویند جنگ در سوریه موجب ایجاد حاشیه امنیت برای آنها شده، همچنان که برخی مقامات آمریکایی و صهیونیستی بارها از ضرورت تجزیه عراق و سوریه و ترکیه و ایران سخن گفتند. هم اکنون برخی قرائن از تقلا برای ایجاد دولتی کردنشین در حد فاصل ترکیه و سوریه و عراق و ایران حکایت می‌کند. در این مسیر، برخی گروه‌های تروریستی منحله مجدداً احیا شده‌اند، همچنان که دو سال پیش در شمال عراق و شرق سوریه از داعش رونمایی کردند و این بازوی جنگ نیابتی تا جلولا در مرزهای غربی ایران پیش آمد. اگر هوشیاری و ابتکار عمل نظام در منکوب کردن این جنگ ذاتاً «آمریکایی-صهیونیستی-انگلیسی-سعودی» نبود، بی‌تردید شهرهای مرزی ما در معرض تهدید و ناامنی قرار می‌گرفت و همان وحشی‌گری و ویرانی حرث و نسل که تروریست‌ها در حلب سوریه بر جای گذاشتند، در همدان و کرمانشاه انجام می‌دادند.

۳- در چنین شرایطی ناگهان می‌بینید جماعتی با استارت‌های «مجازی» از تل‌آویو و لندن و ریاض و پاریس، غیرتی شده‌اند که چرا به جنگنده‌های روسیه اجازه داده‌اید از طریق پایگاه نوژه همدان، مواضع تروریست‌ها را در حلب بمباران کنند؟ سند برای تداوم همکاری جریان فتنه با آمریکا و انگلیس و اسرائیل، از این واضح‌تر؟! یادمان نرفته که همین طیف ۷ سال پیش درست زمانی که از اوباما به شکل رسمی گدایی حمایت می‌کردند و آمریکا صراحتاً می‌گفت پشت آنهاست، برای رد گم کنی شعار «مرگ بر روسیه» سر دادند. و باز یادمان نرفته همین جماعت آمریکایی، ۳۰ سال پیش هم «مرگ بر شوروی» می‌گفتند. چرا؟ پاسخ امام(ره) بسیار حکیمانه است: «نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا (هستیم)، این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستند. باید هر یک از اینها را شناسایی کنید و به دادگاهها معرفی کنید، نشنیند که باز یک جایی را آتش بزنند. اینها می‌خواهند خرابی کنند. کار ندارند به این که کی کشته بشود و کی از بین برود... خط این بود که اصلاً آمریکا منسی [فراموش] بشود. یک دسته شوروی را طرح می‌کردند تا آمریکا منسی بشود، یک دسته «الله اکبر» را کنار می‌گذاشتند، سوت می‌زدند و کف می‌زدند آن هم روز عاشورا. خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود».

۴- بدفهمی‌ها و بی‌خبری‌ها را استثنا کنیم. اما خط دهندگان اصلی «اعتراض به همراه کردن روسیه علیه تروریست‌ها»، در حقیقت با زبان بی‌زبانی می‌گویند چرا تروریست‌های بدتر از مغول را در عراق و سوریه و حلب سرکوب می‌کنید و نمی‌گذارید آن قدر جلو بیایند که مجبور شوید در همدان و کرمانشاه و ایلام و خوزستان تلفات سنگین بدهید و با آنها بجنگید؟! آنها بهتر از هر کس می‌دانند که اگر ایران مقاومت نکرده بود، روس‌ها نه تنها در سوریه که حتی در ماجرای اوکراین بند را به آب داده بودند و می‌دانند که جنگنده‌های روسیه صرفاً بر اساس چهارچوب تعیین شده از سوی ایران علیه تروریست‌ها عملیات می‌کنند. و باز می‌دانند که اگر آمریکا و انگلیس نیز -به فرض محال- می‌پذیرفتند تروریست‌ها را سرکوب کنند، آنها را نیز در همین چهارچوب تعریف شده به خدمت می‌گرفتیم. اما ناف این جماعت را با نوکری بریده‌اند. اگر قرار به بازی در زمین و نقشه مستکبران علیه منافع ملی و نظام اسلامی باشد، چشم بسته حاضرند پیشمرگ شوند (چنان که برخی دست‌اندرکاران مفلوک فتنه شدند). و درست به دلیل همین نوکری، نمی‌بینند این ایران است که توانمندی روسیه را در راستای منافع ملی به خدمت گرفته است. سربسته باید گفت این هیاهوها که در رسانه‌های غربی نیز به چشم می‌خورد، برای غفلت افکار عمومی ایران از برخی خیانت‌ها در ماجرای برجام، FATF و قراردادهای خسارت‌بار نفتی است. به یک معنا و برخلاف تصور اولیه برخی سیاسیون، برجام نقطه پایان بخشی از چالش‌ها با آمریکا و غرب (چیزی شبیه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ) نبود بلکه آغاز زنجیره‌ای از چالش‌های طراحی شده توسط دشمن در قبال نفوذ منطقه‌ای و قدرت نظامی و اقتدار ایران بود. در حقیقت امروز معلوم شده آن نگرشی که می‌گفت «یک حالی به آمریکا بدهیم، تا فشارهای اقتصادی برطرف شود»! کاملاً هیروتی و خلاف واقعیت‌ها بوده است. به موازات آشکار شدن این حقیقت که آرزواندیشی نسبت به آمریکا توهم محض بوده، حامیان فتنه ابایی ندارند از اینکه بگویند به خانه رئیس جمهور رفته و به او هشدار داده‌اند «تو دارای سازمان رأی مستقل نیستی و اگر بخواهی مسیری مستقل از ما طی کنی، بازنده انتخابات خواهی بود». فشار خارجی و داخلی بر آن است تا دولت را به «بیماری خودایمنی» (Autoimmune disease - بیماری‌ای که در آن دستگاه ایمنی بدن به اشتباه، به خود بدن حمله می‌کند) آلوده سازد.

۵- حتی اگر تهدیدها و چالش‌های مهم در حوزه اقتصاد و سیاست و فرهنگ نبود، مسئولیت اقدام و عمل در تراز گفتمان انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی اسلامی- ایرانی بر دوش انبوه نیروهای حزب‌اللهی سنگینی می‌کرد. این نقصان بزرگی است که ظرفیت حزب‌الله به موضوعاتی نظیر انتخابات یامقابله با فتنه و آشوب محدود شود و در غیر این موضوعات، آن ظرفیت بزرگ معطل بماند. و باز، ضعف مهمی است که این جریان سربلند و امتحان پس داده در جبهه‌های مختلف سیاسی و نظامی و علمی و فنی و سازندگی، در مواقف انتخابات از موضع عدم تدارک و اضطرار رفتار کند. نگاه حاضری‌خوری و فست‌فودی به عرصه سیاست و اجتماعیات- که انتخابات تنها یکی از فروع آن می‌باشد- نقض غرض و وهن جریان انقلابی است. اندیشه و تدبیر و تدارک برای جایگزین تمدنی- فرهنگی و آلترناتیوسازی در این زمینه، آن نگاه متعالی و دوراندیشانه‌ای است که اگر غالب شد، به خودی خود نیازها یا چالش‌های محدودتر (مانند انتخابات، بسیج افکار عمومی، تحرکات فتنه‌گران و...) را نیز مدیریت خواهد کرد. از باب مثال اگر همت کردیم و از تهران تا مشهد بزرگراه کشیدیم، به واسطه این بزرگراه می‌توانیم به شهرهای واقع در مسیر هم تردد کنیم اما اگر همت ما محدود به کشیدن جاده تا ورامین بود، نه به مشهد و نیشابور و دامغان و شاهرود، که حتی به گرمسار و سمنان هم نمی‌توانیم برویم. اگر باغی را با انواع درختان میوه آباد کردیم، در حاشیه آن می‌توان سبزی خوردن هم کاشت. اما با این روحیه که بی‌زحمت به محصول برسیم، نه تنها به گردو و خرما که حتی به سبزی خوردن هم نمی‌شود رسید. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، باید زحمت کشید و راه ناهموار را هموار و صاف کرد، وگرنه هیچ راه آسفالته‌ای پیش‌روی هیچ ملتی وجود ندارد.

۶- تلویزیون و یخچال را می‌شود «آکبند» خرید و آورد و استفاده کرد. اما هیچ جاده‌ای را نمی‌توان خرید و نصب کرد! جاده و اتوبان را باید «ساخت». تلویزیون، مصرفی است و چند سال یک بار، نو می‌شود اما اتوبان می‌ماند و باید طوری ساخته شود که دهه‌ها بماند. در اتوبان، «ظاهر» آن دیده می‌شود اما مهم «باطن» و زیرساخت آن است. ماه‌ها و چه بسا سالها طول می‌کشد تا یک جاده کوبیده و زیرسازی شود اما ظرف چند هفته آسفالت آن ریخته می‌شود. حاضری خوری، یعنی آن نوع کار ظاهرسازانه که بعضاً در آستانه سفر مقامات به شهرها از سوی بعضی مدیران محلی انجام می‌شود؛ یک شبه جاده می‌کشند یا باغ و بوستان می‌سازند. چند روز بعد هم که بازدید کننده رفت، جاده کذایی، شرحه شرحه می‌شود و بوستان سفارشی! به بیابان سوخته بدل می‌گردد. کار ماندگار یعنی مجاهدت «تبیینی» شهیدان مطهری و بهشتی، و مجاهدت «تشکیلاتی» شهید چمران و امام موسی صدر در جنوب لبنان که ۳۰ سال بعد تبدیل به درختی تنومند و خار چشم اسرائیل شده است. سرهم بندی و باری به هر جهت عمل کردن، دون شأن مؤمن است، همچنان که قبول زحمت و تدارک نکردن و همواره خود را در موضع اضطرار و اکل میته یافتن. می‌توان تیمی ساخت که هر چند به یک فصل مسابقات نرسد اما در میان مدت و در فصل‌های طولانی به اعتبار تیم بودن و کار هماهنگ و جمعی کردن، خوش بدرخشد. و می‌توان هم تیمی چهل تکه از این طرف و آن طرف جمع کرد که در یک فصل حتی اصطلاحاً بترکاند(!) اما در فصل بعدی، اسباب سرشکستگی و آبروریزی شود؛ چون تیم، در واقع تیم همدلی و همکاری اعضا نبوده است.

۷- گرفتاری‌های لاینحل دولت فعلی و برخی تجارب منفی دولت سابق به ما دیکته می‌کند که دولت‌داری، فرع بر گفتمان‌سازی و تدوین مدل عملیاتی و برنامه و کادرسازی و «تربیت تیمی» (و نه ستاره‌پرستی و ستاره‌سالاری) است. این تجربه که کسانی از طیف‌های سیاسی مختلف با اعتماد ملت، در مجلس یا دولت سر کار می‌آیند اما سپس خودرأیی و خودکامگی یا کم‌فروشی پیشه می‌کنند و پاسخگو هم نیستند، فقدان تشکیلات اجتماعی قدرتمند و مطالبه‌گر را خاطرنشان می‌شود. در چنین خلأ حمایتی- مطالبه‌ای، طبیعی است که اغلب صاحب‌منصبان و دستگاه‌ها، در قبال فشار و فریب قدرت‌های بیگانه یا محافل متنفذ قانون‌شکن منفعل می‌شوند، چون زیرسازی «قوام‌بخش» و مشوق و مؤاخذه کننده انجام نگرفته است. بدین ترتیب می‌توان گفت دو موضوع مهم «تبیین و روشنگری در جهت بسیج سالم مطالبه اجتماعی» و «تشکیلات‌سازی انسجام‌بخش ظرفیت‌ها»، بر هر تکلیف دیگری اولویت دارد. از متن این اقدام «گفتمان محور»، می‌توان در انتخابات هم به نامزد (در واقع تیم مطلوب نامزدساز) رسید وگرنه با رفتار معطوف به «فرصت‌سوزی و اکل میته» یا «نگاه کیش شخصیتی» و از موضع پایین به نامزدها، نمی‌توان حتی برای فردای انتخابات تدارک کرد، چه رسد به تمدن‌سازی یا مواجهه به قاعده با جنگ تمدن‌ها.

محمد ایمانی

سخنگوی دولت همه مدیران نجومی را سرمایه کشور دانست!

سرویس سیاسی-

روند حمایت دولت یازدهم از صاحبان فیش‌های نجومی همچنان ادامه دارد و در همین راستا سخنگوی دولت در برنامه نگاه یک ضمن توجیه گفته‌هایش در حمایت از یکی از نجومی‌بگیران، آنها را نیز ذخایر نظام نامیده است.

وقتی خطایی صورت می‌گیرد بهترین کار عذرخواهی است. عذرخواهی به معنای پذیرش آن خطاست و البته در ادامه روندی که در جهت اصلاح آن خطا باشد. اما به واقع در موضوع فیش‌های نجومی شاهد تناقضاتی در عملکرد دولتی‌ها بودیم که در نوع خود مثال‌زدنی است.

عذرخواهی از خطا و حمایت از خطاکار!

در ابتدای افشای فیش‌های نجومی برخی از دولتمردان به سرعت مسیر فرافکنی را در پیش گرفتند و پس از آنکه تعداد فیش‌های افشا شده افزایش یافت شاهد عذرخواهی سخنگوی دولت در ۲۴ خرداد ماه بودیم. محمدباقر نوبخت با حضور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما از مردم بابت حقوق‌های نجومی برخی مدیران در دولت تدبیر و امید عذرخواهی کرد و گفت: «با اصلاح قانون، اجازه این‌گونه سوءاستفاده‌ها را در آینده نخواهیم داد.»

وقتی عذرخواهی صورت می‌گیرد یعنی خطایی رخ داده و وقتی خطایی رخ دهد یعنی خطاکاری هست. با این حال حمایت از خطاکار توسط دولت از جمله آن تناقضاتی است که به آن اشاره کردیم. نمونه آشکار این تناقض در مراسم معارفه مدیر جدید صندوق توسعه ملی، دیده شد. در آن مراسم سخنگوی دولت، صفدر حسینی را که پیش از آن فیش‌های نجومی او منتشر شده بود، از ذخایر نظام یاد کرد و گفت: «گذشته از ارادت شخصی بنده به دکتر حسینی، سایر اعضای هیئت عامل سابق صندوق توسعه ملی نیز از بزرگان اقتصاد کشور هستند و الحق در دوران مسئولیت خود امانتداران! بزرگی برای کشور بودند.»

سوءاستفاده‌کنندگان از منافذ قانونی ذخایر نظام!

در تازه‌ترین اظهارات، سخنگوی دولت در برنامه نگاه یک «همه مدیرانی که استعفا کردند را (مدیران نجومی‌بگیر) از ذخایر کشور» نامیده است و همچنین وی با اشاره به برخی ادعاها مبنی بر شناسایی ۱۰۰۰ نفر که حقوق غیرمتعارف دریافت می‌کردند، گفته است: «این ادعا غلط است و از این تعداد فقط ۳ درصد حقوق نامتعارف داشتند همچنین هیچ کسی در این‌باره به قوه قضائیه نرفت زیرا حقوق‌ها غیرمتعارف بود اما غیرقانونی نبود.»

تناقض در گفته‌های اخیر سخنگوی دولت نیز به وضوح دیده می‌شود. وی در این برنامه ضمن آنکه همچنان نجومی‌بگیران را ذخایر نظام می‌داند در توجیه دریافت‌های آنان گفته است: «دریافتی آنان اگرچه غیرمتعارف بوده اما غیرقانونی نبوده است که این افراد با استفاده از خلأ قانونی از مصوبات خاصی استفاده (بخوانید سوءاستفاده) می‌کردند بنابراین متأسفانه قانون ما ایراد دارد.» به همین علت وقتی این اتفاق رخ داد. یعنی سخنگوی دولت از طرفی به این نکته اذعان دارد که این افراد از منافذ قانونی برای این دریافت‌ها سوءاستفاده می‌کرده‌اند و از طرفی دیگر آنها را نیز در کنار مدیران متعهد نظام قرار می‌دهد و از ذخایر نظام می‌نامد!

دولت خبر داشت یا نداشت؟!

در ادامه نوبخت اضافه کرده است: «در بررسی‌ها مشخص شد که آنان یک سری مصوبات خاص در اختیارشان بوده است که می‌توانستند از آن استفاده کنند و دولت قطعاً تا موقعی که این اتفاق نیفتاده بود از آن آگاهی نداشت در غیر این صورت زودتر از این، اقدامات قانونی صورت می‌گرفت.»

این گفته سخنگوی دولت منتفی است که دولت اگر خبر داشت زودتر اقدام می‌کرد چرا که به اقرار دولتمردان و همچنین رئیس سازمان بازرسی کل کشور که به دولت در این زمینه هشدار داده بود، دولت یازدهم در جریان این پرداخت‌ها بوده است و تا زمانی که این فیش‌ها رسانه‌ای نشده بود برخوردی با آنها صورت نگرفت. قاضی سراج، طی نامه شماره ۲۳۶۰۵۰ مورخ ۱۰ اسفند ۹۳ به وزیر امور اقتصاد و دارایی در مورد مدیر بانک رفاه که از جمله نجومی‌بگیران بوده است هشدار داده بود و تا زمانی که فیش‌های وی رسانه‌ای نشد از برخورد و عزل خبری نبود.

سخنگوی دولت: چرا به نقطه ضعف‌ها انتقاد می‌کنید؟!

باز هم در این فقره شاهد حمله دولتمردان به منتقدین فیش‌های نجومی هستیم. سخنگوی دولت به صراحت صاحب فیش نجومی را «ذخیره نظام» و «امانتدار» می‌نامد، یعنی همان کسی که به قول نوبخت از منافذ قانونی استفاده (بخوانید سوءاستفاده) کرده، آنگاه هر کسی که به این گفته او انتقاد کرده را این گونه خطاب قرار می‌دهد: «در یک روز تودیع و معارفه که نیم ساعت صحبت می‌شود شما یک کلمه از یک صحبت نیم ساعته و آن منتقدی که کارش فقط این است بگردد ببیند کجا یک ضعفی وجود دارد و فردا در روزنامه‌اش بزند، در آنجا توضیح داده شد که منابع ما در کشور شامل دو بخش منابع ارزی و ذخایر انسانی است.» البته جالب است که او این گفته خود را به عنوان نقطه ضعف قبول دارد.

گفت و شنود

کج!

گفت: برخی از مدعیان اصلاحات که داغ ننگ وطن‌فروشی در فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ را بر پیشانی خود دارند، به استفاده جنگنده‌های روسی از پایگاه هوایی نوژه اعتراض کرده و آن را مغایر اصل ۱۴۶ قانون اساسی و استقلال کشور دانسته‌اند!

گفتم: اولا اصل ۱۴۶ می‌گوید «استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور ممنوع است» و حال آن که به روسیه فقط مجوز پرواز آنهم در عملیات مشترک نظامی علیه داعش داده شده است. ثانیا؛ چند سال است که قوای نظامی روسیه همپای ایران در سوریه مشغول جنگ با تروریست‌های تکفیری تحت امر ریاض و تل‌آویو است و...

گفت: پس چرا مدعیان اصلاحات، تازه به فکر افتاده‌اند؟!

گفتم: خب! برای اینکه، داعش در سوریه و عراق زمین‌گیر شده و جیغ آمریکا و اسرائیل و آل‌سعود به هوا بلند شده است و این عده از مدعیان اصلاحات همان‌ها هستند که در فتنه ۸۸ با وقاحت از اوباما درخواست کمک می‌کردند و شعار می‌دادند «اوباما - یا با اونا یا با ما »! از پادشاه سعودی کمک مالی گرفته بودند و... بنابراین حق دارند حالا با آمریکا و اسرائیل و آل‌سعود همدردی کنند.

گفت: یعنی هنوز هم درشان به همان پاشنه می‌چرخد؟ و با آنهمه جنایات تکفیری‌ها، از سرکوب آنها عصبانی شده‌اند؟! پس کی می‌خواهند...؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! یارو می‌گفت خدایا، من که درست شدنی نیستم، پس خودت راه راست را به سوی من کج کن!

بلومبرگ:

موانع سرمایه‌گذاری و معیشت مردم، با لغو تحریم رفع نشده است

بلومبرگ با اعلام اینکه هنوز موانعی سر راه سرمایه‌گذاری در ایران وجود دارد، تاکید کرد که وضعیت زندگی مردم بهبود نیافته است

بلومبرگ در گزارشی نوشت: براساس گزارش اف‌دی‌آی اینتلیجنس، هنوز موانعی سر راه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد و هم‌چنان ایرانی‌ها معتقدند که وضعیت زندگی آنها در سال جاری با لغو تحریم‌ها بهبود نیافته است. بخشی از تحریم‌ها به دلیل اینکه آمریکا ایران را متهم به توسعه موشکی و حمایت از گروه تروریست می‌کند هم‌چنان پابرجاست.

به گزارش فارس، ماه گذشته روحانی رئیس‌جمهور ایران تأکید کرد که نرخ ارز به سمت تک نرخی شدن حرکت کند، چند روز بعد ولی‌الله سیف رئیس بانک مرکزی ایران گفت: سیاست تک‌نرخی باید قبل از پایان سال جدید اجرایی شود.

بحث تک‌نرخی شدن می‌تواند برای سرمایه‌گذاران خارجی جذابیت ایجاد کند.

امیر نقشینه‌پور مدیرعامل ویستان بیزینس مانیتور یک شرکت مشاوره‌ای در دبی معتقد است ارز تک‌نرخی می‌تواند با افزایش شفافیت موجب کاهش فساد شود. اجرای سیاست تک‌نرخی اعتماد بازار را بیشتر خواهد کرد و شرکت‌های خارجی تمایل بیشتری برای ورود به بازار ایران را خواهند داشت.

بلومبرگ در ادامه به بحث احتمال تک‌نرخی شدن ارز در ایران و فوایدی که اجرای این طرح می‌تواند برای اقتصاد کشور داشته باشد می‌پردازد.

بلومبرگ نوشته است؛ پایان ارز دو نرخی باعث افزایش شفافیت مالی و اقتصادی و کاهش هزینه‌ها خواهد شد.

بر اساس این گزارش، بانک مرکزی ایران علامت داده است که به زودی ارز تک‌نرخی در کشور اجرایی خواهد شد که پیش از این دو نرخی بود، تاکنون اجرای ارز دولتی موانعی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی محسوب می‌شد.

سیاستگذاران، اوایل این ماه اعلام کردند که بعد از این برای خرید ارزهای خارجی، از ارز تک‌نرخی که بانک مرکزی اعلام می‌کند استفاده خواهد شد.

اکبر کمیجانی معاون بانک مرکزی هم گفته است؛ مقررات پاسخگوی نیازهای بازار خواهد بود و این روند را هدایت خواهد کرد.

به گفته کارشناسان، این اقدام باعث ورود پول نقد به سیستم بانکی به جای چرخش در صرافی‌ها خواهد شد.

رهبر ایران در صورت بدعهدی آمریکا توافق را به آتش می‌کشد

وبگاه «واشنگتن اسپکتیتر» در مطلبی پیرامون «آینده توافق هسته‌ای ایران با آمریکا» نوشت: «دونالد ترامپ» نامزد جمهوری‌خواه ریاست جمهوری آمریکا از زمانی که مبارزات انتخاباتی خود را آغاز کرده، بارها متعهد شده است این توافق را که موجب مسدود کردن تلاش‌های ایران در جهت ساخت بمب اتمی شده را متوقف خواهد کرد.

بر این اساس، ترامپ در سخنرانی‌های اخیرش اعلام کرد: اولویت نخست من توقف توافق فاجعه‌آمیز با ایران است.

این در حالی است که «آیت الله خامنه‌ای» رهبر ایران نیز در ماه ژوئن در تهدیدی به سخنرانی‌های ترامپ هشدار داد: ما توافق را نقض نمی‌کنیم اما در صورتی‌که طرف مقابل توافق را نقض کند، ما نیز این توافق را به آتش خواهیم کشید.

به نوشته این وبگاه آمریکایی، مشخص نیست که ترامپ می‌داند توافق انجام شده توسط اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، آمریکا، چین، روسیه، فرانسه، انگلیس، به اضافه آلمان به امضا رسیده است یا نه، اما به نظر می‌آید که او درکی از سیاست‌های خارجی و تبعات این توافق بر اقتصاد آمریکا نداشته باشد.

بقیه در صفحه ۱۰

خبر ویژه

التماس‌کنندگان حمایت از اوباما را با غیرت چه کار؟!

کسانی که در آشوب‌افکنی سال ۸۸ علنا از پلیدترین و جنایتکارترین دولت عالم (آمریکا) می‌خواستند از آنها حمایت کند، حق ندارند مدعی دلسوزی برای استقلال کشور باشند.

این مطلب را داریوش سجادی همکار سابق نشریات اصلاح‌طلب درباره ادعای مدعیان اصلاح‌طلبی مبنی بر نقض استقلال کشور (به خاطر استفاده روسیه از پایگاه نوژه همدان علیه تروریست‌ها در سوریه) عنوان کرد. وی می‌نویسد: موضع برخی نمایندگان اصلاح‌طلب در این زمینه نخستین بدانجامی قابل توقع از جانب نمایندگان صفر کیلومتری می‌تواند محسوب شود که بصورت فله‌ای و بدون برخورداری از عمق و صلاحیت کارشناسی وارد پارلمان دهم شدند.

«فراکسیون مزبور» با استفساریه اخیر خود (چرائی مجوز نوژه) در نخستین گام، کارنامه خود را آغشته به شائبه‌ای کرد که به صفت «خاستگاه شان» چنان شائبه‌ای را می‌توان محتمل و قابل انتظار محسوب کرد!

بدین منوال که؛ گیریم که بتوان باور کرد فراکسیون مزبور و عقبه لجستیک و سیاهی لشکر بیرون از مجلس ایشان نمی‌دانسته‌اند که بیش از ۵ سال است قوای نظامی ایران در بحران سوریه در یک پیوند نظامی و استراتژیک شانه به شانه روس‌ها و سوری‌ها و قوای حزب‌الله در حال مبارزه با تروریست‌های تحت امر ریاض - تل‌آویو آمریکا در شامات‌اند!

گیریم بتوان باور کرد فراکسیون مزبور به صفت نوباوگی سیاسی فاقد فهم و شناختی صحیح از اصل ۱۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده و به همین لحاظ نتوانسته‌اند بین «دادن امتیاز پایگاه نظامی تحت امر» با مجوز «پرواز به منظور عملیات در جبهه مشترک» تفاوتی را پیدا نمایند!

وی می‌افزاید: من حیث‌المجموع و وفق همه موارد بالا ماجراهای ۸۸ را می‌توان کجای دلمان گذاشت!؟ اگر فراکسیون مزبور و عقبه لجستیک و بدنه سرباز صفر ایشان فراموش کرده یا مبتلا به نسیانی مصلحتی شده‌اند! حافظه تاریخ که نمی‌تواند فراموش کند همین منظومه و مجموعه بودند که علی‌رغم تظاهر امروزین به دغدغه استقلال کشور، در عمق شهر آشوبی ۸۸ و از کف خیابان‌های تهران در بی‌شرمانه‌ترین شکل ممکن با شعار «اوباما- یا با اونا یا با ما» بی‌آزرمانه متقاضی دخالت دولت اجنبی در امور داخلی ایران به منظور حمایت از خود و جنبش‌شان شدند! آن هم حمایت پلیدترین دولتی که کارنامه‌اش سرشار از جنایت و خیانت در حق ایرانیان طی ۱۰۰ سال گذشته بوده و هست!

علی‌الظاهر جنبش سبز و بقیه السلف آن در مجلس کنونی ایران به اعتبار مواضع شاذ و کارنامه پر اعوجاج‌شان توانسته‌اند سقف و رکورد و آستانه فکاهی را در ایران به کفایت ارتقا دهند! دغدغه استقلال‌خواهی امروز ایشان به بهانه شائبه مخدوش شدن استقلال کشور در کنار شعار دیروز «اوباما - یا با اونا یا با مای ایشان» مصداقی از این فکاهی توام با تلخند است که می‌تواند اسباب مسرت و عبرت را همزمان و توامان برای ایرانیان فراهم آورد!

وی همچنین درباره غیرتی شدن شبکه دولتی انگلیس نوشت: تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی در یک واکنش «ایران دوستانه» که حاکی از دغدغه قابل وثوق ایشان به استقلال سرزمینی و تمامیت ارضی ایران بود(!) در برنامه نوبت شمای خود ضمن اعتراض به این اتفاق موضوع برنامه را به این اختصاص داد که آیا مجوز مزبور ناقض اصل ۱۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و خدشه به استقلال سیاسی ایران نیست!؟ به قول عبید زاکانی؛ «مژدگانا که گربه عابد شد»

این هم طنز تاریخ است که در آستانه کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ با مشارکت همین بی‌بی‌سی در نقش صدور فرمان‌دهنده آغاز عملیات کودتا(!) ظاهرا اکنون بی‌بی‌سی مزبور آب توبه بر سر ریخته علی‌رغم بی‌وقعی قبلی ایشان به لزوم برسمیت شناختن استقلال و تمامیت ارضی و احترام به شأن دولت ملی مصدق اینک و خلق‌الساعه تب ایران دوستی‌شان بالا گرفته و معتقد شده‌اند که؛ اصلا چه معنی داره روسیه از پایگاه هوایی ایران استفاده کنه!؟ پس تکلیف استقلال ایران چی میشه!؟ ... مصدق آسوده بخواب که کودتاچیان ۳۲ به راه «راست» هدایت شدند!

دور زدن شورای عالی امنیت ملی در امضای FATF

«نتیجه توافق FATF، تقویت داعش و ناامنی در مرزهای ایران است».

هفته‌نامه ۹ دی در تحلیلی نوشت: در شرایطی که قرار بود بواسطه امضاء و اجرای برجام، تعهداتی از جمله برچیده شده تحریم‌های بانکی و دلاری محقق شود، نه تنها این تعهدات عمده محقق نشده بلکه برجام دست آمریکا را باز گذاشته تا برای اجرای تعهدات عینی خود در برجام، دنبال امتیازگیری جدید از تیم مذاکره کننده ایرانی برجام باشد و البته ظاهراً این تیم هم از ارائه امتیازات جدید در این زمینه بخل و ابایی نداشته است.

برجام به راحتی حاصل نشده است و اگر نبود لاپوشی‌های دولت و مذاکرات محرمانه و تکاپوهای پنهان دلالان ایرانی حاضر در آمریکا، کار در همان نیمه راه متوقف شده بود. برخی به یقین رسیده‌اند که مشکلات کشور از مسیر امید به بیرون و تدبیر برای لاپوشی داخلی حل می‌شود. این را می‌شود از توافقات پشتیبان و سری برجام که در روزهای اخیر توسط جناب آمانو برملا می‌شود متوجه شد. با این وجود امید به بیرون و تدبیر برای پنهان سازی در داخل همچنان کار می‌کند. دولت مسیر برجام‌های بعدی را بی‌سر و صدا طی می‌کند. گرچه برجام منطقه، فعلاً به بن بست رسیده اما برجام بانکی امضا شده توسط وزیر اقتصاد (به نمایندگی از حکومت ایران) است تا بواسطه اعطای امتیازی جدید، دولت آمریکا تعهداتی که در برجام متعهد به اجرای آن شده بود را اجرا کند.

به این ترتیب در برجام بانکی هم مشابه برجام هسته‌ای امید داریم تا بعد از انجام تمامی اقدامات از سوی ما، طرف مقابل دست بر روی کاغذ برده و نام ایران را از لیست کشورهای غیرهمکار (Non-Cooperative Countries) تعلیق کند! ظاهراً جناب وزیر هم چشمان خود را در برابر واقعیت‌های برجام هسته‌ای بسته است.

در این توافق، طرف ایرانی پذیرفته با اصلاح برخی قوانین خود از جمله قانون مبارزه با پولشویی، جنبش‌های مقاومت منطقه از جمله حزب‌الله و حماس و انصارالله... را جزء گروه‌های تروریستی قلمداد کند. این در حقیقت تقویت داعش است.

متن توافق شده بین تیم مذاکراتی بانکی تحت مسئولیت وزارت امور خارجه ایران و گروه ویژه اقدام مالی «اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (ایران) جهت حذف معافیت جرم تأمین مالی برای گروه‌های مشخص شده به منظور تلاش برای پایان اشغال بیگانگان، استعمار و نژادپرستی» آنچه نسبت به حذف و اصلاح آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران قول داده شد مربوط به قانون تأمین منابع مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۱۳ مجلس شورای اسلامی است که در تبصره ۲ ماده ۱ این قانون آمده است:

«عاملی که ملت‌ها یا گروه‌ها یا سازمان‌های آزادی‌بخش برای مقابله با اموری از قبیل سلطه، اشغال خارجی، استعمار و نژادپرستی انجام می‌دهند از مصادیق اقدامات تروریستی موضوع این قانون نمی‌باشد.»

براین اساس، تیم مذاکره کننده وزارت امور خارجه همچون تعهد در قبال تصویب پروتکل الحاقی در مجلس شورای اسلامی، اینبار نیز از جانب مجلس شورای اسلامی تعهد داده است تا این موارد در قانون مبارزه با پولشویی و تأمین منابع مالی تروریسم، اصلاح شود.

اما بخشی دیگر از این تعهد نیز، بانک‌های ایرانی را متعهد کرده تا تمامی اطلاعات مبادلات مالی حتی با گروه‌های مقاومت منطقه را به گروه اقدام مالی تحویل دهد:

«اطمینان ارائه سریع همکاری‌های بین‌المللی در تبادل و به اشتراک گذاری اطلاعات سودمند مالکیت» و این در حالی است که تعهدی با این درجه از اهمیت بدون بررسی در شورای عالی امنیت ملی و تنها با نقش‌آفرینی وزارت امور خارجه به امضاء رسیده و در حال اجرایی شدن است.

و نکته تأسف بار این است که حتی با وجود این اقدامات از جانب ایران و حذف سه واژه مذکور از قانون ایران باز هم اتفاقی در رفع تحریم بانکی بویژه دلار نخواهد افتاد.

جاسازی فورس ماژور در قراردادهای مسئله‌دار نفتی

علی‌رغم تجربه هزینه‌های اقتصادی زیادی که به دلیل عدم توجه حقوقی به موضوع تحریم‌ها در سالهای گذشته متحمل شدیم، مجددا در قراردادهای جدید نفتی به شرکتهای خارجی اجازه داده شده تا در صورت تحریم جدید یا بازگشت تحریمهای هسته